

مطالعه پدیدارشناختی تجربه زیسته کلیشه‌های جنسیتی در خانواده توسط زنان و دختران بندر لنگه با استفاده از مدل کلایزی

صادق زحمت زاد خوری^۱

علیرضا خدایمی^۲

کرامت اله راسخ^۳

(تاریخ دریافت ۱۴۰۳/۵/۲۹ - تاریخ تصویب ۱۴۰۳/۸/۶)

نوع مقاله: علمی پژوهشی

چکیده

هدف پژوهش حاضر مطالعه پدیدارشناختی تجربه زیسته کلیشه‌های جنسیتی در خانواده توسط زنان و دختران بندر لنگه با استفاده از مدل کلایزی است. برای این کار از روش پدیدارشناسی توصیفی استفاده شده است. در مطالعه حاضر نیز محدودیتی در مورد محل جمع‌آوری اطلاعات وجود نداشت و شرکت‌کنندگان در پژوهش از افرادی که تجربه زیستی کلیشه جنسیتی داشتند انتخاب شدند. این افراد زنان و دختران ۱۵ تا ۲۴ ساله شهر بندر لنگه

^۱- دانشجوی دکتری، گروه علوم اجتماعی، واحد جهرم، دانشگاه آزاد اسلامی، جهرم، ایران.

^۲- استادیار، گروه علوم اجتماعی، واحد جهرم، دانشگاه آزاد اسلامی، جهرم، ایران. (نویسنده مسئول)

alirezakhoddamy@yahoo.com

^۳- دانشیار، گروه علوم اجتماعی، واحد جهرم، دانشگاه آزاد اسلامی، جهرم، ایران.

بودند که واجد معیارهای ورود به پژوهش بوده و تمایل به شرکت در این مطالعه داشتند. زمان دسترسی محقق به اشباع داده‌ها ادامه یافت. در نهایت تعداد ۱۲ نفر در این مطالعه شرکت نمودند. به این ترتیب بر اساس سه مرحله اول روش کلایزی، مفاهیم استنباط شده از مصاحبه با شرکت‌کنندگان در کدهای متفاوت قرار گرفت. در مرحله بعد سعی شد تا کدهای استخراج شده در دسته‌بندی‌های خاص موضوعی قرار داده شود. به این منظور، ابتدا زیر مجموعه‌هایی ایجاد شد که از ادغام آنها دسته‌های فرعی شکل گرفت و از ترکیب چند دسته فرعی نهایتاً مفاهیم اصلی پژوهش به وجود آمد. در نهایت کلیه مفاهیم استنباط شده در دو مفهوم محوری «نگرش جنسیتی» و «موقعیت نابرابر» جای گرفت. نتایج پژوهش نشان داد: باور افراد به تفاوت‌های جنسیتی در توانایی‌های مختلف و تقسیم کار اجتماعی به نابرابری جنسیتی تبدیل شده و آن همواره توسط کلیشه‌های جنسیتی موجبات طبقه‌بندی جنسی و برچسب‌زنی جنسیتی را فراهم کرده است. در جامعه در حال گذار ایران با اختلال در ساختارها و شالوده‌های سنتی حاکم بر جامعه، تغییر و دگرگونی در نگرش‌ها و نقش‌های اجتماعی زنان و دختران به وجود آمده است. خانواده و نقش‌های درون آن دستخوش دگرگونی‌های معناداری شده است. پذیرش کلیشه‌های جنسیتی توسط افراد و شکل‌گیری نگرش جنسیتی در آنها می‌تواند موجب گردد تا آنها با اتخاذ نگرش و موضعی خاص، احساس، ادراک و ارزیابی متفاوتی از پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی داشته و بالطبع رفتارهای متفاوت و متمایزی در قبال آن انجام دهند.

واژگان کلیدی: کلیشه جنسیتی، تجربه زیسته، پدیدارشناسی، مدل کلایزی، زنان و دختران.

مقدمه و بیان مسأله

در تمامی جوامع بشری، یکی از مهم‌ترین ملاک‌های اجتماعی - فرهنگی برای دسته‌بندی افراد جامعه، جنسیت است. بین جنس و جنسیت تفاوت‌های معناداری وجود دارد که منشأ آن را باید در فرهنگ جست‌وجو کرد. جنس بر جنبه‌های بیولوژیکی و جسمانی مرد و زن اشاره دارد و مفهوم جنسیت بر ابعاد فرهنگی و اجتماعی مرتبط با تفاوت‌های بین مردان و زنان که جامعه آنها تعیین می‌کند دلالت دارد. امروزه نکته به‌مراتب مهم‌تر این است که اساساً چگونه چنین

تفاوت‌هایی در جامعه شکل می‌گیرند و سازمان‌دهی می‌شوند. جنسیت ویژگی مهمی است که به طور اساسی تعیین‌کننده ادراکات، نگرش‌ها، رفتارها و منزلت افراد در جامعه بوده و خود نیز به شدت تحت تأثیر یادگیری اجتماعی و فرهنگی شکل می‌گیرد. جنسیت، حداقل دارای سه سطح متفاوت و مرتبط به هم است: سطح فردی (نقش‌ها و هویت‌های فردی)، سطح بین فردی و کنش متقابل (شیوه‌های رفتار کردن با دیگران) و سطح کلان و اجتماعی (باورهای فرهنگی و توزیع منابع). چند سطحی بودن سیستم جنسیت، به فرآیندهایی که در نهایت به بازتولید نابرابری جنسیتی در سطوح کلان، خرد و کنش متقابل به طور همزمان می‌انجامد، اجازه عمل می‌دهد. (کورل، ۲۰۰۶). مفهومی که ارتباط نزدیکی با نابرابری جنسیتی دارد و می‌تواند یکی از مصادیق آن باشد کلیشه جنسیتی است. کلیشه قالب ذهنی مفهومی است که از صنعت چاپ به عرصه علوم اجتماعی و به ویژه روانشناسی اجتماعی آمده است. قالب ذهنی مفهومی است برای نشان دادن تصورها، داوری‌ها و پیش‌داوری‌هایی درباره اشخاص، گروه‌ها، اشیا و وقایع است. قالب‌های ذهنی عمری نسبتاً طولانی دارد، با گذشت زمان تغییر چندانی نمی‌کند و با ارزش داوری منفی یا مثبت احساسی همراه است. از این رو یکی از بارزترین مصادیق تصورات اجتماعی است. در جریان پیدایش قالب‌های ذهنی، تنها به ویژگی‌های آشکار و سطحی موضوع مورد نظر توجه می‌شود. این به معنای بهره‌گیری از ادراک گزینشی در ساختن قالب‌های ذهنی است. تصورات ذهنی در پیوندی خاص درباره پدیده‌ای شکل می‌گیرد. اما از آن مورد خاص به موارد دیگر تعمیم داده می‌شود. و در اموری دیگر از آن‌ها استفاده می‌شود. و قالب‌های ذهنی در کنش متقابل اجتماعی و جهت‌گیری به فردی می‌رساند. (راسخ، ۱۳۹۱). براساس کلیشه‌های جنسیتی، زنان و مردان در جامعه دارای ویژگی‌های خاص، رفتار خاص و حالات روانی خاص هستند و در نهایت قابلیت انجام وظایف و کارهایی را دارند که به صورت معمول با یکدیگر متفاوتند. کلیشه‌سازی از طرفی خصوصیات و توانایی‌هایی را به زنان اختصاص می‌دهد که در مردان از آنها نشانه‌ای نیست و از طرف دیگر، توانایی‌ها و خصوصیات را به مردان نسبت می‌دهد که زنان از آن بی‌بهره‌اند. (اعزاز، ۱۳۸۹). کلیشه‌های جنسیتی به طور دائم در جامعه بازتولید می‌شوند. بر اساس نظریه جامعه‌پذیری، درونمایه‌های فرهنگی و اجتماعی هر جامعه‌ای از طریق نهادهای مختلف مثل خانواده، مدرسه و نظام آموزش، رسانه‌های همگانی و گروه همسالان منتقل می‌شود. جامعه‌پذیری جنسیت یکی از ابعاد جامعه‌پذیری است، بنابراین

آموزه‌های مرتبط با جنسیت نیز از طریق همین نهادها انتقال پیدا می‌کند. کلیشه‌ها یا تصورات قالبی خبر از تفاوت‌های زیاد بین زن و مرد می‌دهند؛ ولی غالباً این کلیشه‌ها هیچ‌گونه اساسی در رفتار واقعی ندارند. با وجود این، کلیشه‌های تعیین شده که فرهنگ القا می‌کند، خصوصیات هستند که از منظر اجتماعی برای مردان و زنان مطلوب به حساب می‌آیند. افرادی که از کلیشه‌ها یا تصورات قالبی انحراف زیادی دارند، به نظر منفی می‌آیند. در جامعه ما کلیشه‌های زنانه مانند سلطه‌پذیری، خرافات، عاطفی، مهربان بودن و دلسوز، کنجکاو (فضولی)، انفعال، ترسویی، خیال‌بافی، رؤیایی، هیجانی، مضطرب (نگران)، جذاب و دلربا، پرحرف، حساس و نقش‌های وابسته به همسر و خانواده و برای کلیشه‌های مردانه: فعال، حادثه‌جو، سلطه‌گر (زورگو)، مستقل، نیرومند، شجاع، جسور، قوی، معقول، خودمحمور، با اعتماد به نفس، مغرور، پرخاشگر، عصبانی و خشن، غالب (فراستی) و نقش‌های تکیه‌گاه و نان‌آور خانواده وجود دارد. کلیشه جنسیتی یکی از مفاهیم معرفت‌تبعیض جنسیتی است که فرهنگ جوامع، آن را در افراد درونی می‌سازد. کلیشه‌ها یا تصورات قالبی، مجموعه سازمان‌یافته‌ای از باورها درباره خصوصیات تمام اعضای یک گروه خاص است. با توجه به این تعریف می‌توان گفت: یک کلیشه یا تصور قالبی جنسیتی در بردارنده اطلاعاتی درباره ظاهر جسمانی، نگرش‌ها، علاقه‌ها، صفت‌های روانی، روابط اجتماعی و نوع شغل زنان و مردان است. (باستانی، ۱۳۸۶). آنچه در بررسی کلیشه‌های جنسیتی در جامعه جلب توجه می‌نماید، رواج کلیشه‌های عمدتاً منفی در مورد زنان و شیوع و پذیرش کلیشه‌های عمدتاً مثبت راجع به مردان است. هرچند این کلیشه‌ها همیشه با واقعیت رابطه‌ای ندارد و فقط معرفت‌باورهای مشترک درباره افراد خاص است؛ ولی این طرز تلقی، بی‌شک برای زندگی اجتماعی زن و مرد دارای تبعات خاصی است. به یقین پیامد منفی کلیشه‌های جنسیتی برای زنان بسیار بیشتر خواهد بود زیرا یکی از نکته‌های قطعی درباره صفت‌ها یا خصیصه‌های مربوط به کلیشه‌های جنسیتی آن است که عمدتاً صفات مطلوب‌تر و مثبت‌تر از نظر اجتماع به مردان تعلق یافته است. با توجه به مطالب فوق در این پژوهش سعی بر آن است که به مطالعه پدیدار شناختی تجربه زیسته کلیشه‌های جنسیتی در خانواده توسط زنان و دختران بندر لنگه با استفاده از مدل کلایزی در سال ۱۴۰۱ پرداخته و در این میان نقش عوامل مهم در تولید و باز تولید کلیشه‌های جنسیتی مورد بررسی قرار گیرد. همچنین توصیف، تشریح و مقایسه تجربه

زیسته‌ی دختران و زنان از کلیشه‌های جنسیتی در خانواده از مباحث مورد بحث در این پژوهش خواهد بود. شناسایی و فهم تجربه زیسته و میزان شیوع کلیشه‌های جنسیتی در بین دختران و زنان شهر بندر لنگه می‌تواند گامی مهم در شناخت و پیشگیری از پیش داوری و تبعیض جنسیتی محسوب گردد و نقش آنها را در فرآیند توسعه برجسته نماید از این روز تحقیق حاضر با هدف مطالعه پدیدار شناختی تجربه زیسته کلیشه‌های جنسیتی در خانواده توسط زنان و دختران بندر لنگه با استفاده از مدل کلایزی صورت خواهد گرفت. به عبارت دقیق‌تر دنبال پاسخگویی به سؤالات زیر می‌باشد، کلیشه‌های جنسیتی چگونه در فرایند حیات روزمره دختران و زنان مورد مطالعه بروز و نمود می‌یابد و چه تفسیری از آنها دارند؟ کلیشه‌های جنسیتی چگونه توسط افراد مصاحبه شده روایت می‌شود و تا چه میزان در روال زندگی آنها محدودیت ایجاد می‌کند؟ واکنش افراد (پذیرش یا طرد) در قبال کلیشه جنسیتی در خانه چیست؟ کلیشه‌های جنسیتی به چه چیزهایی مربوط می‌باشد؟ (مانند ظاهر جسمانی، نگرش‌ها، علایق، صفات روانی، روابط اجتماعی، نقش‌های خانگی و نوع شغل و...). تفاوت‌های عمده تجارب زیسته زنان و دختران مورد مطالعه بر حسب سن، تحصیلات، وضعیت تاهل و شغل کدامند؟ از دید مصاحبه شوندگان، بیشترین ساحت زندگی که کلیشه جنسیتی تجربه می‌شود کدام است و چگونه تجربه می‌شود؟ ارتباط تجربه کلیشه‌های جنسیتی در عرضه‌های گوناگون اجتماعی و خصوصی خانه و مناسبات خویشاوندی، شبکه‌های دوستی و مدرسه و دانشگاه چگونه است؟ کلیشه‌های جنسیتی در کدامیک از ساحت‌های زندگی خانوادگی بیشتر رواج دارد و چگونه؟ استراتژی‌های پذیرش و یا احیاناً طرد کلیشه‌های جنسیتی در میان زنان و دختران مورد مطالعه چیست؟ آیا پیامد کلیشه‌های جنسیتی را در ساحت‌های گوناگون حیات اجتماعی می‌بینند؟

پیشینه تحقیق

معقول (۱۴۰۰) پژوهش خود را با عنوان «بررسی رابطه ارتقای شغلی و تبعیض جنسیتی با تاکید بر نقش میانجی عدالت سازمانی و تعدیلگری اعتقادات ضد مردان، مطالعه موردی: سازمان تامین اجتماعی» نوشت. یافته‌های تحقیق نشان داد که جنسیت کارمند ارتقا یافته تاثیر مثبت و معناداری بر عدالت رویه‌ای و توزیعی دارد. از طرفی، نتایج نشان داد که رابطه مثبت و معناداری میان متغیرهای عدالت رویه‌ای، عدالت توزیعی و جنسیت کارمند ارتقا یافته با تبعیض جنسیتی علیه

زنان وجود دارد. بنابراین، مشخص گردید که متغیرهای عدالت رویه‌ای و توزیعی نقش میانجی جزئی در رابطه بین جنسیت کارمند ارتقا یافته و تبعیض جنسیتی علیه زنان دارند و این نتایج با ارقام به دست آمده با آزمون سوبل نیز مطابقت داشته است. در نهایت، نتایج مربوط به نقش متغیر تعدیلگر اعتقادات متعصبانه ضد مرد مدیران نشان داد که این متغیر نقش تعدیلگر در رابطه بین جنسیت کارمند ارتقا یافته با عدالت‌های رویه‌ای و توزیعی نداشته و هر دو فرضیه رد شده‌اند.

بشارده (۱۴۰۰) تحقیق خود را با موضوع «پیش‌بینی کیفیت زندگی بر اساس تجربه رویدادهای تبعیض‌آمیز جنسیتی و هم‌نوایی با هنجارهای زنانه با واسطه‌گری خود خاموشی» انجام داد و نتایج تحلیل نشان داد که هم‌نوایی با هنجارهای زنانه و ادراک تبعیض‌های جنسیتی، علاوه بر تأثیر مستقیم، به طور غیرمستقیم و به واسطه مؤلفه‌های خود خاموشی نیز بر جنبه‌های مختلف کیفیت زندگی زنان تأثیر گذاشته است. جزئیات مربوط به نحوه تأثیر هم‌نوایی با هنجارهای زنانه و ادراک تبعیض‌های جنسیتی بر مؤلفه‌های خود خاموشی و جنبه‌های مختلف کیفیت زندگی مورد بحث قرار گرفته است.

شولتز لی (۲۰۲۱) در مقاله‌ای با عنوان «جنسیت، کار مراقبتی در خانواده‌های ژاپنی» به بررسی مذاکره در مورد کارهای مراقبتی در خانواده پرداخته است. زنان براساس هنجارهای متضاد تعهدات فرزندی، ایدئولوژی جنسیتی و باورهای فرهنگی درباره‌ی پیوند والد فرزند، تجربه‌ای دوگانه دارند. تجزیه و تحلیل حاصل از مصاحبه‌های عمیق نشان داد که این دوگانگی براساس ۱- تضاد بین هنجارها و باورهای فرهنگی و ۲- تفاوت‌های بین نسلی در مواجهه با هنجارهای مراقبتی است. نه تنها هنجارهای مربوط به کارهای مراقبتی در ژاپن جنسیتی است، بلکه آنها تقاضایی که زنان برای مراقبت از والدین خود و هنجارهای جامعه ایجاد می‌کنند با تغییر انتظارات زنان در ژاپن معاصر در تضاد و تناقض قرار می‌گیرد، به طوری که در خانواده‌های مورد مطالعه، هنجارهای تفکیکی و سنتی مربوط به تعهدات زوجین به چالش کشیده شده اما مبنای جنسیتی از کارهای مراقبتی در خانواده به قوت خود باقی است. براساس این یافته‌ها، ترجیح داده شد که مراقبین بر اساس جنسیت و الزامات یا تعهدات فرزندی (دختران) تعیین می‌شوند.

یوستا، فاور و هامیه (۲۰۲۰) در مقاله‌ای با عنوان «اثر جامعه‌پذیری بر روی تبعیض جنسیتی و

خشونت علیه زنان در لبنان» به بررسی اثر جامعه‌پذیری بر نگرش مردان لبنانی نسبت به نابرابری جنسیتی برای درک خشونت علیه زنان در خاورمیانه، پرداخته‌اند. یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که آموزش شرکت‌کنندگان، انتظارات والدین برای رفتارهای نوعاً جنسیتی و قرارگرفتن در معرض خشونت‌های اجتماعی، نگرش مردان نسبت به نابرابری جنسیتی را پیش‌بینی کرده است. شرکت‌کنندگان در مصاحبه نیز بیان کردند که مردانگی به آنها نقش خراج دهندگی را تحمیل می‌کند که خودشان را به‌عنوان قربانی یک فرهنگ سنتی ادراک می‌کنند و از طرفی دیگر این هنجار کنترل و قدرت مردان بر زنان را به آنها واگذار می‌کند.

روش شناسی

پژوهش حاضر از نوع کیفی که به روش پدیدارشناسی توصیفی انجام گرفته و برای تجزیه و تحلیل آن از روش کلایزی (۱۹۷۸) استفاده شد. جامعه هدف شامل زنان و دختران ۱۵ تا ۲۴ سال بندر لنگه بود. در این پژوهش مشارکت‌کنندگان ۱۲ نفر از زنان و دختران بندر لنگه بودند. به‌منظور دسترسی بیشتر به تجربیات زیسته و منحصربه‌فرد زنان و دختران در مؤلفه ملاک‌های کلیشه جنسیتی، محقق در مرحله مصاحبه با مشارکت‌کنندگان تصمیم گرفت مصاحبه‌ها را ادامه دهد باوجوداینکه در مؤلفه کلیشه جنسیتی با ۱۲ مصاحبه به اشباع رسیده بود و درنهایت از ۱۵ مصاحبه با زنان و دختران تعداد ۱۲ مصاحبه مورد بررسی و کدگذاری قرار گرفت و ۳ مصاحبه به دلیل همپوشانی بسیار بالا با سایر مصاحبه‌ها از روند بررسی خارج شد. آنالیز داده‌ها توسط دو نفر از اساتید متخصص این حوزه انجام شد و این امر به اعتبار داده‌ها کمک کرد و داده‌ها طبق رویکرد پدیدارشناسی توصیفی - کلایزی آنالیز شد.

یافته‌های توصیفی

از میان ۱۲ شرکت‌کننده در پژوهش چهارنفر خانه دار، دو نفر کارمند و یک نفر شغل آزاد و ۴ نفر محصل و یک نفر بی سواد بودند. از نظر تحصیلات سه نفر تاینجم ابتدایی، یک نفر سوم راهنمایی، ۴ نفر دبیرستان در پایه‌های یازدهم و دوازدهم، ۱ نفر دیپلم و ۱ نفر لیسانس و ۱ نفر فوق لیسانس بودند. محدوده سنی شرکت‌کنندگان خانم ۱۵ تا ۲۴ سال و میانگین سنی آنان ۲۰ سال بود. از نظر وضعیت اقتصادی ۵۰ درصد پاسخگویان (ضعیف)، ۳۵ درصد وضعیت اقتصادی

خوب و ۱۵ درصد وضعیت اقتصادی متوسط داشتند.

جدول (۱) - مشخصات جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان

ردیف	سن	وضعیت اقتصادی	تحصیلات	وضعیت تأهل	وضعیت شغلی
۱	۲۴	ضعیف	پنجم ابتدایی	متأهل	خانه‌دار
۲	۲۴	متوسط	پنجم ابتدایی	متأهل	خانه‌دار
۳	۲۴	ضعیف	پنجم ابتدایی	متأهل	خانه‌دار
۴	۲۴	ضعیف	سوم راهنمایی	متأهل	خانه‌دار
۵	۲۴	خوب	لیسانس	مجرد	کارمند
۶	۲۳	خوب	بی‌سواد	متأهل	شغل آزاد
۷	۲۲	ضعیف	دیپلم	مجرد	بیکار
۸	۲۰	خوب	فوق‌لیسانس	مجرد	کارمند
۹	۱۷	متوسط	دانش‌آموز یازدهم	مجرد	محصل
۱۰	۱۷	ضعیف	دانش‌آموز یازدهم	مجرد	محصل
۱۱	۱۸	ضعیف	دانش‌آموز دوازدهم	مجرد	محصل
۱۲	۱۸	خوب	دانش‌آموز دوازدهم	مجرد	محصل

یافته‌های پژوهش

پس از مصاحبه با مشارکت‌کننده زنان دارای تجربه زیستی کلیشه‌های جنسیتی اطلاعات صوتی ضبط شده به صورت متنی درآمد. سپس مکتوبات مربوط به مصاحبه چندین مرتبه خوانده شد تا محتوای کلی هر مصاحبه و معنای موردنظر دارای تجربه زیسته زنان درک شود. در این مرحله به استخراج جملات مهم هر مصاحبه پرداخته شد. بدین منظور عبارات مهمی که مستقیماً به تجربه زیستی کلیشه جنسیتی زنان و دختران مرتبط بود، با کشیده‌شدن خط زیر آنها از سایر قسمت‌های متن مصاحبه مشخص شدند. در مجموع ۲۷۵ جمله مهم از ۱۲ مصاحبه انجام شده زنان و دختران ۱۵ تا ۲۴ ساله بندر لنگه استخراج شد.

جدول (۲) - مضامین اصلی و مضمون‌های فرعی آشکار شده از تحلیل داده‌ها

مضمون	زیر مضمون
نگرش جنسیتی	۱- باور به تفاوت‌های رفتاری
	۲- باور به تفاوت‌های ذهنی
	۳- باور به تفاوت‌های شغلی
	۴- نگاه دختران جوان به ارزش‌های زنانه
	۵- آموزش متناسب با جنس
موقعیت‌های نابرابر جنسیتی	۶- فروتری زنان و الگوهای اجتماعی پست‌تری
	۷- تفاوت سطوح قدرت میان زنان و مردان

در پژوهش حاضر (۲) مضمون اصلی شامل نگرش جنسیتی موقعیت‌های نابرابر جنسیتی بدست آمد. در ادامه فصل حاضر زیر مضامین هر یک از مضامین اصلی مطرح شده است. در بحث پیرامون هر زیرمضمون نیز شواهد و جملات مهم استخراج شده از گفته‌های مشارکت کنندگان که منجر به شکل‌گیری زیرمضمون گشته است ارائه شده است.

الف) نگرش زنان و دختران بندر لنگه نسبت به کلیشه جنسیتی

مشارکت‌کننده شماره ۱ درمورد نوع نگرش به کلیشه جنسیتی بیان می‌دارد که ویژگی‌های دختران را چنین بر شمرد که «آنان مهربان، دل‌نازک، در فکر کردن و صحبت کردن از پسرها بهترند و به طور کلی از نظر درسی هم دختران در درس‌های حفظ کردنی قوی‌ترند» و پسران را اینطور معرفی کرد که «بازیگوش‌اند و به همین خاطر درس آنها خوب نیست، ولی در دروس حل کردنی قوی‌اند» وی همچنین توانایی دختران «خیلی بالا» بیان کرد. یکی از نکات مهم در خانه این است که اغلب خانم‌ها مشغله کارهای خونه را هم دارن ولی مردان این طوری نیستن. مشارکت‌کننده شماره ۲ معتقد بود آرزوی وی در زمان کودکی این بود که «خوشبخت شوم» و آرزوی این بود که «درشش را ادامه بدهد و به یه جایی برسد. در خصوص شغل‌های مناسب زنان و مردان وی شغل «معلمی» را برای خانم‌ها و شغل «کار آزاد مثل مغازه داری» را برای مردها مناسب دانست و وظیفه اصلی یک زن را «رسیدگی به خانه و زندگی» دانست و ریشه افکار و تصورات خویش را برگرفته از «دوستان و آشنایان» دانست. مسائل مالی در زندگی دخترها «برای حساب و کتاب کردن» اهمیت دارد ولی در مورد یادگیری بیان کرد «پسرها بهتر

یاد می‌گیرند." و ویژگی زنان رو اینگونه بیان کرد که: "خلاصیت بالا دارند، به درس خواندن اهمیت می‌دهند و زودتر از پسران می‌تونن شعر را حفظ کنند" و ویژگی‌های پسران را نیز اینطور برشمرد که: "حواسشون را بیشتر جمع می‌کنن و مسئله‌های مهم را زودتر از دختری حل می‌کنند".

مشارکت‌کننده شماره ۳ در مورد نگرش جنسیتی در رابطه با توانایی دختران اینطور بیان کرد که "میگن دختری تو مسائل حل کردنی قوی نیستند، توانایی پسر بهتره" و میزان توجه دختران به مسائل حل کردنی را "بیشتر" از پسران دانست ولی معتقد بود "پسرها زودتر مسائل مالی را یاد می‌گیرند". زن‌ها بعد از ازدواج دیگه نمی‌تونن ادامه تحصیل بدن و به صورت ذاتی پسر ادامه تحصیل را بیشتر دوست دارن". شغل مناسب برای خانم‌ها را "خیاطی" و شغل مناسب برای مردها را "کارمند دولتی" دانست. او وظیفه اصلی زن را "خانه داری" بیان کرد و ریشه افکار و تصوراتش از "خانواده" می‌داند.

مشارکت‌کننده شماره ۴ در بررسی کلیشه‌های جنسیتی در دیدگاه این مصاحبه شونده ویژگی‌های دختران را "خوش سلیقگی، با استعداد در کارهای هنری و با استعداد در حفظیات" و ویژگی‌های پسران را "دارای استعدادی بهتر در درس خواندن نسبت به کارهای هنری، و با استعداد خوبی در ریاضی و فیزیک" بیان کرد. همچنین بیان کرد که ریشه افکار و تصوراتش گرفته شده از "محیط‌ها و مردمی که با آنها سر و کار داریم" است. "وی معتقد است شغل مناسب خانم‌ها "پزشکی" و شغل مناسب آقایان "مهندسی" است و وظیفه اصلی زن "خانه داری و شوهرداری" می‌باشد و ریشه افکار و تصوراتش برگرفته از "خانواده" است.

مشارکت‌کننده شماره ۵ ویژگی‌های دختران را با جملات "استعداد هنری خوب و ذهن خوبی دارن" و ویژگی‌های پسران را با جملات "در ساختن وسایل بهتر از دختری هستند" توصیف کرد و توانایی دختران در درس و کتاب را "بهتر از پسرها" و میزان توجه "دخترها را بیشتر" دانست.

مشارکت‌کننده شماره ۶ در پاسخ به سؤالاتی که کلیشه‌های جنسیتی را می‌سنجید، ویژگی‌های دختران را با "استعداد فوق العاده خوب در گل سازی، خیاطی دارن، تو حفظیات مثل تاریخ و جغرافی قوی هستند". و ویژگی‌های پسران را با "بازیگوش، باهوش، کنجکاو، ذهن خود را تقویت می‌کنند، در ریاضی قوی اند" بیان کرد. در ادامه نیز اضافه کرد که پسران "سرکلاس یاد

می‌گیرند" ولی دخترا "حفظ می‌کنن" او در کودکی آرزو داشته شغل "معلمی" را در آینده داشته باشد و امیدواراست "درس بخواند و معلم شود" زیرا به عقیده او "معلمی" شغل مناسبی برای خانم‌ها و "مهندسی" شغل مناسبی برای آقایان است. او وظیفه اصلی زن را "خانه داری" و شکل دهنده افکار و تصوراتش را "خانواده و تلویزیون" دانست. همچنین در ادامه صحبت‌هایش بیان کرد که وظیفه اصلی زن را "خانه داری" می‌داند و خانو داری را از وظایف اولیه و اصلی زن می‌داند که موجب می‌شود وقت کمتری نسبت به آقایان برای مطالعه داشته باشند.

مشارکت‌کننده شماره ۷ در پاسخ به سؤالات نگرش کلیشه‌های جنسیتی بیان کرد که دختران را "با سلیقه در تزئینات و قوی در درس‌های تاریخ و ادبیات" و پسران را "با استعداد در ریاضی و ضعیف در شعر حفظ کردن دانست". از نظر خانواده وی "دخترها باهوش ترند. او همچنین می‌گوید "در کودکی آرزو داشتم معلم شوم" و حال آرزو دارد "با نماز و با حجاب باشد و معلم شود". همچنین معتقد است بهترین شغل برای خانم‌ها "کار در محیط‌های زنانه مثل معلمی" و برای مردها "کارمندی ادارات دولتی" است در ضمن اینکه وظیفه اصلی زن را "خانه داری" و آبروداری" می‌داند و ریشه افکار و تصوراتش را برگرفته از "همسایه‌ها و خانواده" می‌داند. همچنین معتقد است که پسران بازیگوش‌اند و درس نمی‌خوانن.

مشارکت‌کننده شماره ۸ بیان می‌کند که دختران "احساساتی، با سلیقه، در رشته علوم انسانی با استعداد ترند چون در حفظیات قوی‌اند" و پسران را "در رشته ریاضی و فیزیک با استعدادترند. از نظر وی توانایی دختران، "اگه وقت بذارن، خوبه" ولی میزان توجه "پسرا به دروس حلیات بیشتر" و نیز یادگیری "پسرا" زودتر از دختران است. بهترین شغل برای خانم‌ها و وظیفه اصلی زن "خانه داری" و برای آقایان "کارمند دولتی" است. او شکل گرفتن افکار و تصورات را تحت تأثیر "مدرسه- دوستان" می‌داند.

در ادامه مصاحبه و بررسی کلیشه‌های جنسیتی مشارکت‌کننده ۹ بیان کرد که دختران ویژگی‌های همانند "دلسوزی، در کار خانه با استعداد و در درسهای خواندنی ضعیف" و ویژگی‌های پسران را "قدرتمند و مثل دخترا از درس‌های خواندنی بدشان می‌آید". همچنین اضافه می‌نماید که دختران دارای ویژگی‌هایی چون "خلاقیت ذهنی بالا و مغز بازتری از آقایان و قوی بودن در حفظیات" هستند و پسران "استعداد بالاتری در ساخت و کشف چیزهایی جالب و کارهای برقی دارند و در ریاضیات قوی ترند". و بیان می‌کند که "خیاطی" شغل مناسب خانم‌ها

و "خانه سازی" شغل مناسب مردها است و وظیفه اصلی زن "تربیت فرزندان- شوهرداری" است. افکار و تصورات وی ریشه از "خانواده، مدرسه، تلویزیون" گرفته است. به نظر وی "معلمی" شغل مناسب خانمها و "کارهای مدیریتی" شغل مناسب آقایان است و وظیفه اصلی زن "تربیت فرزندان و شوهرداری" می باشد.

مشارکت کننده ۱۰ دختران را با ویژگی‌های "سرسنگین و با ادب" و پسران را با ویژگی‌های "بازیگوش و درس نخوان" توصیف می کند. "همچنین ادامه داد که دختران "مهربان، با احساس، دارای درک خوب و حفظیات قوی" هستند و پسران "خیلی مغرور و در حلیات و حفظیات خوبند". وی معتقد است "مهندسی" شغل مناسبی برای مردها و "خانه داری" شغل مناسب و وظیفه اصلی زن است. وی در شکل گیری افکار و تصوراتش به مؤثر بودن "همسایه‌ها و خانواده اش" و "خانواده، کتاب‌ها، مجلات و تلویزیون" اشاره کرد. او بهترین شغل مناسب آقایان را "مهندسی" و بهترین شغل مناسب خانمها را "معلمی" و بهترین وظیفه اصلی زن را "تربیت و راهنمایی بچه‌ها و خانه داری" می داند.

پژوهشگر مصاحبه ۱۱ را با خانم ۲۴ ساله انجام داده و او در کودکی آرزویش این بود که "خوشبخت شوم" و آرزویش این است که "درشش را ادامه دهد". در رابطه با ویژگی‌های دختران معتقد است که آنان "احساسی هستند و بیشتر از پسرها به فکر زندگی اند (تشکیل زندگی) و برای هر کاری فکر می کنند و در حفظیات قوی اند"، و پسران "بازیگوش اند و در مسائل مالی قوی ترن" در ضمن توانایی دختران در مسائل مالی را "متوسط" و میزان توجهشان به آن را "بیشتر از پسرها" دانست. و معتقد بود مردان "فکرشان آزاد تره و مسئولیت خانه ندارند و برای کارشون مجبور به یادگیری هستند و بیشتر به مغزشان فشار می آورند". ولی خانمها این طوری نیستن. معتقد است "معلمی شغل مناسب خانمها و کار در "ادارات دولتی" مناسب مردها است ولی وظیفه اصلی زن "تربیت بچه‌ها و رسیدگی به خانواده" می باشد. به نظر او "مهندسی" شغل مناسب آقایان و "خانه داری" شغل و وظیفه اصلی زن است و افکار و تصورات وی ریشه در "خانواده و همسایه‌ها" دارد.

در کنکاش کلیشه‌های جنسیتی زنان و دختران مشارکت کننده ۱۲ دختران را "باهوش، در تزئینات عالی و در درس حرفه قوی" و پسران را "در کتاب‌های حسابداری قوی ترنسبت به

دختر" توصیف می‌کند. و حال آرزو دارم "درس بخوانم و نمازخوان و با حجاب باشم". او شغل مناسب خانم‌ها را "معلمی" و شغل مناسب آقایان را "مهندسی" دانست و در رابطه با وظیفه اصلی زن به "تربیت فرزندان و رسیدگی به خانواده" اشاره کرد. او ریشه افکارش را برگرفته از "خانواده و تلویزیون" می‌داند.

ب) موقعیت نابرابر زنان در موضوع تجربه زیستی کلیشه جنسیتی زنان و دختران بندر لنگه

در یکی از مصاحبه‌ها خانم لیسانس حقوق بود بیان کرد که زنان و مردان در تمامی زمینه‌ها، از جمله: علائق، استعدادها، مهارت‌ها و توانایی‌ها، نقش‌ها و مسئولیت‌ها، خود را کاملاً متفاوت از یکدیگر می‌شناسند و امور را به‌صورت زنانه و مردانه یعنی تفکیک شده، پذیرفته و باور می‌کنند. تکرار مداوم فعالیت‌های روزمره در قالب تفکیکی مردانه و زنانه، بر اساس باورهای جنسیتی، کلیشه‌هایی را شکل می‌دهد که این کلیشه‌ها در ادامه به باورهای جنسیتی تداوم می‌بخشد. خانواده به‌عنوان اولین نهاد آموزشی و تربیتی نقش مهم و تأثیرگذاری در نهادینه کردن باورها و کلیشه‌های جنسیتی از طریق جامعه‌پذیر کردن کودک دارد. در طی این فرایند، کودک خود را به‌عنوان یک دختر یا پسر شناخته و در ادامه نیز تحت تأثیر سایر گروه همسالان، نهادهای آموزشی چون مدارس، رسانه‌ها، هویت خود را به‌عنوان یک زن یا مرد تکمیل می‌کند. اصولاً والدین با به‌کارگیری الگوها و کلیشه‌های جنسیتی موجود و باور به آنها، توانایی پسران را در مستقل شدن و یادگیری مهارت‌های مختلف بیشتر از دختران دانسته و به همان صورت آنها را تربیت می‌کنند.

همچنین، در برخی مصاحبه‌ها دختران نوجوان پایه یازدهم و دوازدهم در زمینه تبعیض جنسی وجود برخی محدودیت‌ها (امکانات رفت‌وآمد، خواب و استراحت، لباس و اشتغال)، (برخوردارانی اندک از حمایت‌های مالی و... در خانواده و جامعه) تمایل جامعه به داشتن فرزند پسر، محبت بیشتر به پسران، توجه بیشتر به فرزند ذکور در میزان وجه روزانه، تغذیه و البسه و (مورد بی‌احترامی واقع شدن) بی‌احترامی در خانه و جامعه و بی‌اعتمادی به آنان، سوءاستفاده (تنبیه بدنی، استثمار در منزل و محل کار)، نداشتن قدرت انتخاب (حاکمیت پسران در منزل، عدم نظرخواهی در ازدواج و تحمیل شرایط و...) مواجه می‌شوند. همچنین، این دختران نوجوان معتقد

بودند که عواملی نظیر؛ باورهای فرهنگی (اقامت موقت در منزل پدری و ازدواج، هزینه تهیه جهیزیه برای دختران، سربلندی و حفظ نام خانوادگی توسط پسران) مشکلات اقتصادی و اجتماعی (بیکاری، تورم، فقر و بیماری روانی والدین)، اقتضای شرایط (آسیب پذیری دختران، سلطه پذیری آنان و جامعه ناسالم) و ویژگی های خانواده (سنتی، تحصیلات پایین) موجب تبعیض جنسی در خانواده و جامعه بوده اند. همچنین موقعیت نابرابر زنان و دختران در مقایسه با مردان و پسران در زمینه های مختلف خانوادگی نظیر الگوهای تعاملات با خویشاوندان و دوستان، تقسیم کار خانگی، خشونت خانگی و دسترسی به منابع ارزشمند در مشارکت کننده ۱۹ساله با مدرک دیپلم بود.

در یکی از مصاحبه ها سطح پایین تحصیلات زن و مرد، فاصله زیاد سنی بین آنها، نوع محل سکونت، تعداد اعضای خانواده، مردسالاری از مهم ترین شاخص موقعیت نابرابر زنان بود. زنان با سطح تحصیلات و آگاهی بالاتر، جایگاه بالاتر به لحاظ طبقه اجتماعی خانواده خود از ادامه صحبت های خانم ۲۰ساله بود. نابرابری جنسیتی در سه حوزه هنجاری، آموزشی و تحصیلی، اقتصادی است. همچنین زنان به عنوان مادر نقش مهمی در ایجاد نابرابری جنسیتی در خانواده بین دختر و پسر خود دارند.

در یک مصاحبه عوامل فرهنگی و اجتماعی حاکم بر جامعه که زنان را با محدودیت هایی مواجه ساخته، عدم آگاهی اهمیت فراغت و تأثیر این امر بر سلامت افراد و کیفیت زندگی آنها، آسیبزا بودن محیط بیرون از خانه برای زنان و وجود هراس منتج از آن در ایشان، تسلط مردان بر وقت افراد خانواده از جمله زنان، تقسیم کار خانگی و ذات تمام نشدنی امور خانه و خانواده از مهم ترین موقعیت نابرابر زنان و دختران در جامعه است.

در یکی از مصاحبه ها که دانشجوی رشته مدیریت خانواده بود کلیشه های پسران بیشتر ناظر بر قدرت، عقلانیت، استقلال، خشونت و مشاغل ابزاری و مدیریتی است، در حالی که کلیشه های دختران اشاره به عطوفت، تأثیر پذیری، وابستگی و گرایش به مشاغل خدماتی در بین آنها دارد. نگرش این دانشجو حاکی از اظهار نوعی دوگانگی در باورهای جنسیتی و پذیرش تفاوت های بین دو جنس مشابه تصورات قالبی رایج در جامعه از جانب آنهاست.

در یکی از مصاحبه ها که هم زمان سه خانم با تحصیلات بی سواد و سیکل و دیپلم و یک دختر

۲۳ ساله دانشجو که خیلی عمیق و از ته دل و یکی از آنان با گریه صحبت می‌کرد که مهم‌ترین مباحث از مصاحبه آنان با این شرح است: محدودیت از پرامکانات رفت‌وآمد، خواب و استراحت، لباس و اشتغال، (تفاوت چشمگیر در برخورداری از حمایت‌های مالی و... در خانواده و جامعه) تمایل جامعه به داشتن فرزند پسر، محبت بیشتر به پسران، توجه بیشتر به فرزند ذکور در میزان وجه روزانه، تغذیه و البسه و... مورد بی‌احترامی واقع شدن (بی‌احترامی در خانه و جامعه و بی‌اعتمادی به آنان) سوءاستفاده (تنبیه بدنی، استثمار در منزل و محل کار و نداشتن قدرت انتخاب) حاکمیت پسران در منزل، عدم نظرخواهی در ازدواج و تحمیل شرایط و... از مهم‌ترین مباحث بود مشارکت‌کنندگان همچنین اظهار داشتند که تبعیض جنسی در خانواده و جامعه می‌تواند به مشکلات روانی (آرزوی مرگ، اقدام به خودکشی، نگرش منفی به زن، احساس زیادی بودن، انزجار از جنس مذکر، پرخاشگری و افسردگی) و مشکلات اجتماعی (فرار از منزل، اعتیاد، فساد و فحشا، پناه‌بردن به دوستی با جنس مخالف، تن‌دادن به ازدواج اجباری و نامناسب، و عدم پیشرفت تحصیلی) منجر شود.

نتیجه‌گیری

جنسیت قوی‌ترین و مهم‌ترین تقسیم‌بندی اجتماعی است. از نظر فمینیست‌ها، جنسیت و کلیشه‌های جنسیتی همانند طبقه اجتماعی، نژاد و یا دین، یک طبقه‌بندی مهم اجتماعی است. در سطح کلان، از طریق نهادهای جامعه و روابط میان‌فردی، جنسیت پایه‌ای برای تقسیم کار، واگذاری نقش‌ها و اختصاص دادن پاداش‌های اجتماعی است. پذیرش کلیشه‌های جنسیتی توسط افراد و شکل‌گیری نگرش جنسیتی در آن‌ها می‌تواند موجب گردد تا آنها با اتخاذ نگرش و موضعی خاص، احساس، ادراک و ارزیابی متفاوتی از پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی داشته و بالطبع رفتارهای متفاوت و متمایزی در قبال آن انجام دهند. نابرابری جنسیتی به‌عنوان یکی از مسائل مهم اجتماعی محسوب می‌شود که در تمامی کشورها اعم از توسعه‌یافته یا توسعه‌نیافته وجود داشته و یکی از ریشه‌دارترین نابرابری‌های موجود در جوامع بشری است. در این نوع نابرابری که در واقع نابرابری جایگاهی و موقعیتی بین زنان و مردان به‌حساب می‌آید، مردان و هر آنچه که مردانه تلقی می‌گردد از زنان و هر چه که زنانه تلقی می‌گردد برتر و ارزشمندتر است. اما نابرابری جنسیتی همواره توسط باورها و کلیشه‌های جنسیتی موجود که موجبات طبقه‌بندی

جنسی و برجسب‌زنی جنسیتی را فراهم کرده است، تداوم یافته و حفظ شده است. همچنین قوانین موجود در بعضی از کشورها، بر حسب همین طبقه‌بندی و تمایزات جنسیتی، به بازتولید نابرابری‌های جنسیتی کمک می‌کنند. البته امروزه به پشتوانه فعالیت‌ها و جنبش‌های زنان در زمینه‌های مختلف اجتماعی برای ایجاد تساوی و برابری زنان با مردان در طی دو قرن اخیر، در بعضی از کشورهای توسعه‌یافته قوانین تبعیض‌آمیز جنسیتی علیه زنان تا حدود قابل توجهی رفع شده است. هدف این پژوهش مطالعه پدیدارشناختی تجربه زیسته کلیشه‌های جنسیتی در خانواده توسط زنان و دختران بندر لنگه با استفاده از مدل کلایزی بود. در این راستا بررسی کلیشه‌های جنسیتی دیدگاه زنان و دختران بندر لنگه ما را به این نتیجه رساند که: باور افراد به تفاوت‌های جنسیتی در توانایی‌های مختلف از جمله توانایی و نظایر آن موجب می‌شود که در تقسیم کار اجتماعی نیز نوعی نابرابری جنسیتی مشاهده شود. در جامعه در حال گذار ایران با برکنده شدن ساختارها و شالوده‌های سنتی حاکم بر جامعه، تغییر و دگرگونی در نگرش‌ها و نقش‌های اجتماعی زنان و دختران به وجود آمده است. طبق دیدگاه آنتونی گیدنز معتقد است خانواده و نقش‌های درون آن دست خوش دگرگونی اساسی است. بنا به عقیده وی، یک نسل پیش پیوند میان زن و مرد عمدتاً بر اساس نقش‌های ثابت با حقوق ثابت بود. یک زن می‌دانست که چه سرنوشتی در انتظارش است؛ اما اکنون زنان بر اساس آنچه فرهنگ به آنها دیکته می‌کند، زندگی نمی‌کنند. همچنین استفاده از رسانه‌ها به عنوان یک متغیر تأثیرگذار بر نگرش نسبت به کلیشه‌های جنسیتی تشخیص داده شد. با استناد به نظریه کلیشه‌سازی در توضیح این نکته می‌توان گفت رسانه‌های گروهی در فرایند اجتماعی‌کردن نقش محافظه‌کارانه ویژه‌ای داشته و موجب تقویت ارزش‌ها و باورهای سنتی می‌گردد. زنان و مردان در رسانه در نقش‌های قالبی خود نشان داده می‌شوند و رسانه در واقع به صورتی بالقوه در تقابل با اصلاحات در تفکرات قالبی عمل می‌کند و عمدتاً تقویت‌کننده فرهنگ است نه تغییردهنده آن. در کشور ما با وجود اینکه استفاده از وسایل ارتباط جمعی گسترش یافته اما فیلم‌سازان و نویسندگان نتوانسته‌اند عقاید جدیدی را بسط دهند؛ بلکه کلیشه‌های جنسیتی سنتی را در جامعه بازتولید می‌کنند. نشریاتی که مربوط به زنان است همچنان مطالبی چون آشپزی، خانه‌داری، خیاطی و فرزند داری را به چاپ می‌رساند. بدین ترتیب این وسایل با ایجاد بسترهای فرهنگی مناسب افکار عمومی جامعه را مطابق با الگوهای

خود شکل می‌دهند و دگرگونی‌های عمده‌ای در نگرش‌های آنان ایجاد می‌کنند. متغیر دین‌داری بیشترین تأثیر را بر نگرش زنان نسبت به کلیشه‌های جنسیتی داشته است. این یافته بر نقش کلیدی دین در جامعه ایران و تأثیر آن بر شکل‌گیری نگرش‌ها و گرایش‌های افراد دلالت دارد. عدم پرداختن به سایر فعالیت‌ها توسط زنان بیشتر ریشه در عرف دینی و اجتماعی دارد و اکثر جریان‌های فکری طرف‌دار حقوق زنان چنانچه با آموزه‌های مذهبی ناسازگار یا متعارض باشد کمتر می‌تواند از مقبولیت اجتماعی برخوردار شود. چنین سیستم اعتقادی نقش تعیین‌کننده‌ای در الگوهای شغلی زنان ایفا می‌کند؛ به طوری که بخش قابل‌ملاحظه‌ای از زنان شاغل در مدارس و یا بیمارستان‌ها کار می‌کنند که معمولاً به شکل برجسته‌ای در متون درسی و آموزشی، برنامه‌های تلویزیونی و سایر وسایل ارتباط جمعی منعکس می‌شود. البته دیدگاه‌هایی وجود دارد که معتقد است جایگاه و وضعیت زنان در جوامع مسلمان را نباید ناشی از ماهیت دین دانست و باید در جستجوی عوامل دیگری غیر از دین بود. باید به اهمیت و ضرورت مقتضیات تاریخی و شرایط محیطی نیز توجه کرد. برای مثال می‌توان به موضوع اجازه چندمسری برای مردان اشاره کرد. چنین اجازه‌ای در اسلام در واقع شیوه قابل‌قبول را برای حمایت از زنان بیوه و دختران یتیم فراهم آورد؛ زیرا در آن شرایط زمانی نه تنها جنگ‌های پی‌درپی وجود داشت؛ بلکه ادامه زندگی زنان عمدتاً وابسته به مردان بود. سهم کمتر ارث یا ارزش شهادت‌دادن زن به اندازه نصف ارزش شهادت‌دادن مرد نیز ریشه در همان مقتضیات تاریخی و شرایط محیطی جوامع اعراب قبیله‌ای دارد که در آن مردان انسان‌های باتجربه‌تری در عرصه عمومی زندگی تلقی می‌شدند که مسئولیت اصلی مدیریت و تأمین معاش خانواده را برعهده داشتند. همچنین باید بین آموزه‌های دینی و سنت‌های اجتماعی و رسوم محلی تفکیک قائل شد. دین اسلام زنان را از مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی منع نکرده است؛ زیرا آنان می‌توانند به اراده و انتخاب خود تصمیم بگیرند. زنان و دختران با تحصیل و مشارکت در نقش‌های اجتماعی غیرسنتی که در جامعه در حال گذار ما برای دختران شکل گرفته و یا در حال شکل‌گیری است در پی بازتعریفی از موقعیت‌های خود در کسب هویت اجتماعی مستقل و غیرسنتی هستند؛ بنابراین می‌توان گفت نسل‌های جدید زنان در مقایسه با نسل‌های قدیمی تمایل بیشتری به مخالفت با کلیشه‌های جنسیتی دارند. همچنین زنانی که از تحصیلات بالاتری برخوردارند نسبت به زنانی که سطح تحصیلات پایین‌تری دارند، نگرش منفی‌تری نسبت به کلیشه‌های جنسیتی داشتند و از اعتقاد آنان به کلیشه‌های جنسیتی

کاسته می‌شود. این موضوع را می‌توان این‌گونه تبیین کرد که با افزایش تحصیلات به‌خصوص تحصیلات دانشگاهی، زنان به حقوق و وظایف خود بیشتر آگاه شده و در نگرش‌شان تغییر ایجاد می‌شود. بر مبنای نظریه نقش، تغییر در نقش افراد می‌تواند منجر به تغییر در نگرش‌ها و رفتارهای آنان گردد. از این‌رو افراد مجرد پس از ازدواج و ورود به زندگی زناشویی و به‌عهد گرفتن نقش همسری ممکن است نگرش‌های خود درباره صفات و ویژگی‌های مناسب مردانه و زنانه را تغییر داده و با کسب تجربیات واقعی و آگاهی بیشتر از نقش‌ها و ویژگی‌های جنس مخالف از شدت باورهایشان به کلیشه‌های جنسیتی کاسته شود. به‌علاوه زنان با ورود به زندگی زناشویی برای حفظ زندگی خود تا حدودی مجبور می‌شوند بسیاری از کلیشه‌های جنسیتی مردانه را بپذیرند و به آن عمل نمایند.

پیشنهادها

۱. آگاه‌سازی خانواده‌ها خصوصاً والدین نسبت به حساسیت و تأثیرپذیری دوران کودکی و نقش حساس و مهم آنان در جامعه‌پذیری کودکان و تأکید بر تأثیر جامعه‌پذیری جنسیتی در شیوه نگرش و باورهای کودکان و نقش این جامعه‌پذیری در شیوه زندگی آینده کودکان نیز می‌تواند نگرش نسبت به کلیشه‌ها را تغییر دهد. آموزش‌های رسمی در مدارس و دانشگاه‌ها و همچنین آموزش‌های غیررسمی از طریق رسانه‌های جمعی کوششی در جهت کم‌رنگ نمودن باورهای قالبی جنسیتی، ایدئولوژی‌ها و نگرش‌های جنسیتی است.
۲. به‌منظور کاهش و کنترل آثار و پیامدهای کلیشه‌های جنسیتی (به ویژه نابرابری‌های جنسیتی نهادینه شده)، شناخت ابعاد و انواع کلیشه‌های جنسیتی و علل شیوع و پذیرش آنها، بسیار حائز اهمیت است. در صورت شناخت این فرایند که انتظارات و رفتارهای افراد را نیز به صورت کلیشه‌ای تولید و بازتولید می‌کند، می‌توان تا حدودی زیادی به رفع نابرابری‌های جنسیتی کمک کرد. اگر نهادهای فرهنگی شامل مدارس و کتب درسی و غیر درسی، رسانه‌ها و برنامه‌های تلویزیونی، فیلم‌ها و... در جهت آموزش غیر جنسیتی یا فرا جنسیتی عمل کنند یعنی نقش‌ها، کارها، مشاغل، تفریحات و اوقات فراغت و یادگیری فنون مختلف را نه به صورت مطلقاً تفکیکی و چارچوبی، (پسرانه و دخترانه یا زنانه و مردانه)، بلکه فراتر چارچوب و الگوی

جنسیتی، ترویج دهند، به زنان و مردان این فرصت داده می‌شود تا آزادانه و بر حسب اختیار، عرصه‌ها و حوزه‌های مختلف اجتماعی را تجربه و خود، استعدادها و توانایی‌هایشان را کشف کنند و بر همین حسب مهارت‌های مختلف را بدون محدودیت یا ممنوعیت، آموزش دیده و یاد بگیرند.

سپاسگزاری

در این پژوهش نویسنده از کلیه زنان و دختران بندر لنگه که در اتمام پژوهش مشارکت نمودند کمال تشکر و امتنان را دارد.

منابع

- اعزازی، شهلا (۱۳۸۹)، **جامعه‌شناسی خانواده (با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر)**، تهران، ناشر روشنگران و مطالعات زنان.
- بشارده، شیدا (۱۴۰۰)، **پیش‌بینی کیفیت زندگی بر اساس تجربه رویدادهای تبعیض‌آمیز جنسیتی و هم‌نوابی با هنجارهای زنانه با واسطه‌گری خود خاموشی**، کازرون، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- راسخ، کرامت‌اله (۱۳۹۱) **فرهنگ جامع جامعه‌شناسی و علوم انسانی**، جهرم، دانشگاه آزاد اسلامی واحد جهرم، چاپ اول، جلد دوم.
- عراقیان، سپیده (۱۳۹۸)، **بررسی رابطه بین کلیشه‌های جنسیتی و رضایت زناشویی: نقش میانجی سوگیری شناختی**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خيام.
- عبدالله‌زاده، نسیم، بلند همتان، کیوان، زبردست، محمد امجد (۱۳۹۷) **تحلیل روایت زنان از نابرابری‌های جنسیتی در میدان آموزش مورد مطالعه: زنان مناطق حاشیه‌ای نایس شهر سندج**، برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، پاییز، شماره ۳۶، ۱۷۵-۲۰.
- رضوانی، مهدیه و زنجانی‌زاده، هما (۱۳۹۴): **بررسی عوامل موثر بر تقسیم کار در خانواده؛ مطالعه موردی: زنان متاهل شاغل در آموزش و پرورش شهر مشهد**، مجله: مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان.
- سفیری خدیجه، زارع زهرا (۱۳۹۶)، **بررسی ارتباط کلیشه‌های جنسیتی و تضاد نقش‌های زناشویی در زوج‌های جوان**، پژوهشنامه علوم انسانی، بهار.
- فلیک، اووه (۱۴۰۰)، **درآمدی بر تحقیق کیفی**، ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشر نی.
- گرت، استفانی (۱۳۹۶)، **جامعه‌شناسی جنسیت**، ترجمه کتابون بقایی، تهران، نشر دیگر.
- لطف‌آبادی، حسین (۱۳۸۸)، **روش‌شناسی پژوهش در روان‌شناسی و علوم تربیتی**. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- معقول، محمدرضا (۱۴۰۰)، **بررسی رابطه ارتقای شغلی و تبعیض جنسیتی با تأکید بر نقش میانجی عدالت سازمانی و تعدیلگری اعتقادات ضد مردان**، لنگرود، موسسه آموزش عالی قدیر.
- میر شمس شهبهانی، شهلا؛ طباطبایی، آسیه السادات؛ امینیان، احسان (۱۳۹۷)، **بازنمایی کلیشه‌های جنسیتی در موسیقی رپ فارسی مسائل اجتماعی ایران**، سال نهم، شماره ۱، بهار و تابستان، صص ۱۴۶-۱۲۵.

- Bussy, Kay & Bandora, Albert (۲۰۰۴) **The Psychology of Gender**, Editors: Alice H. Eagly, Ann E. Beall, Robert J. Sternberg; New York & London
- Casey, Neil [et.al] (۲۰۲۱) **Television Studies: The Key Concepts**, London & New York: Routledg.
- Correll, S.J. (۲۰۰۶) **Gender and the Career Choice Process: The Role of Biased Self Assessments**. American Journal of Sociology ۱۰۶, ۱۶۹۱- ۱۷۳۰.
- Hyde, Janet Shibley, and Marcia C. Linn (۱۹۸۸) "**Gender Differences in Verbal Ability: A Meta-Analysis**." Psychological Bulletin ۱۰۴(۱):۵۳-۶۹.
- Meyers, Diana Tietjens (۲۰۲۰) **Gender in the Mirror: Cultural of Imagery and Womens Agency**, USA: New York: Oxford University Press.
- Stanley L. and Wise S. ۲۰۲۱ **What's wrong with Socialization?** In: S. Jackson and S.